

حافظ برتر کدام است؟

دکتر رشید عیوضی

دانشگاه تربیت معلم تبریز^۱

یقین که ایران بدهکار حافظ است و ما وظیفه داریم که دین خود را نسبت به این خاکی افلاکی ادا کنیم. این وظیفه را خوشبختانه بنیاد فارس شناسی و به خصوص مرکز حافظ شناسی به عهده گرفته‌اند که به نیابت از ملت ایران این وظیفه مهم را انجام بدهند. سپاسگزاری حقیر، وظیفه شناسی و همت مردانه وظیفه‌ی همه است که من به نوبه‌ی خود از این همه کوشش سپاسگزاری می‌کنم و توفیق بیشتر اولیاء محترم مرکز حافظ شناسی را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

رسم بر این جاری شده است که هر سال در یاد روز حافظ سخنی هم از حافظ پژوهان رفته یا به قول مرحوم ملک‌الشعراى بهار، سواران رفته به عمل بیاید. امروز این توفیق نصیب بنده شده است که یادی از استاد بی‌همتای دانشگاه تهران استاد، دکتر پرویز ناتل خانلری بنمایم. با تشکر از اینکه بنده را شایسته‌ی بیان خصایل و سجایای نیکوی آن مرد فرشته‌خوی دانسته‌اند، باید عرض کنم که من هر چه بگویم به پای کتاب قافله‌سالار سخن، خانلری نمی‌رسد. آنچه درباره‌ی دکتر خانلری گفتنی است در این کتاب بیان شده است. همه کارهای ایشان زندگی ایشان، آن خصال نیکو و کارهای بزرگی که انجام داده‌اند همه در آن کتاب آمده

^۱ - این متن عیناً سخن رانی دکتر رشید عیوضی است که در مهر ماه ۱۳۸۶ در تالار حافظ برگزار گردید.

است. به قول مولانا:

یک دهان خواهم به پهنای فلک
تا بگویم رسم آن رشک ملک
و با وجود آن کتاب نیازی به سخنان من نیست و من با توجه به اقتضای مجلس فقط چند نکته عرض می‌کنم و یاد این مرد بزرگ را گرامی می‌دارم. من چطور می‌توانم از فضایل آن مردی که همه مسحود انسان بودن ایشان بودند، یعنی اگر بخواهیم وصفی درباره‌ی او بگوییم او را باید انسان کامل بدانیم. انسان کامل یعنی هیچ نقصی در او پیدا نمی‌شود. او در همه‌ی عمر خود پیوسته برای اعتلای فرهنگ و ادب ایران در کوشش بود و لحظه‌ای از آن غفلت نداشت. کارهای بسیار بزرگی کرده است. انتشار بیست و هفت ساله‌ی مجله‌ی سخن در آن روزگار کار آسانی نبود. هر کس از فرهیختگان علاقمند ادب ایران را که می‌دیدید می‌پرسیدند که مجله سخن چاپ شده؟ همه انتظار چاپ شدن شماره جدید مجله سخن را داشتیم. دوره‌ی بیست و هفت ساله‌ی آن پیوسته تجدید چاپ می‌شود و محل توجه و ملاحظه علاقمندان می‌باشد. کتاب تاریخ زبان فارسی نیز همین الآن در دانشگاهها تدریس می‌شود. کتاب سمک عیار در خانه‌ها برای سرگرمی ادبی بسیار مفید است.

کارهای نیک ایشان تأسیس بنیاد فرهنگ ایران بود که حاصل کوشش در آن مؤسسه ۱۴۰ کتاب عظیم در تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام بود که به طرز بسیار زیبایی و به طرز علمی چاپ شد و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. تأسیس دانشکده ایران شناسی - یا چنین چیزی - کار ایشان بود. خلاصه می‌توانم عرض کنم که ایشان از مردان کم نظیری بودند که گاهی در عرصه‌ی فرهنگ و ادب ایران به ظهور می‌آیند. در آن بنیاد فرهنگ ایران، ایشان آن جوانان صاحب نظر و فرهیخته را دور خود جمع کردند و آنها را وادار به کار و کوشش کردند و پول زیادی هم نمی‌دادند. یکی از آنان در کتاب قافله سالار سخن خانلری نوشته است که یک روز ما را جمع کرد و فرمود که می‌دانید که من چرا حقوق شما را اضافه نمی‌کنم؟ اگر دستمزد شما را اضافه کنم فردا تلفن‌ها به طرف من سرازیر خواهد شد که فلانی را هم بر این کار بگذار و من نمی‌خواهم کسی که شایسته‌ی کار در این بنیاد نیست به این بنیاد راه پیدا کند - یک چنین مردی بود- با داشتن مناصب بزرگ هرگز از اوج به قعر تنزل نکرد. با اینکه ارتباطات زیاد داشت اما آن مقام انسانی خودش را همیشه حفظ کرد.

توجه به مقاله مرحوم دکتر حسین خطیبی که همشاگردی ایشان بود البته خودشان

نوشته‌اند که در دوره‌ی ليسانس من دوسال بعد از ایشان وارد دانشگاه شدم ، ولی اینها در دوره‌ی دکتری زبان فارسی با هم همشاگردی بودند ، چون آن وقت که آیین نامه‌ی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی تصویب شد چون دانشجویی نبود آنقدر آمدند شاگرد اول های چند سال گذشته را که بیشتر در اطراف بودند به تهران آوردند و دوره دکتری را تشکیل دادند که یکی از آنها دکتر خانلری بود که در رشت به دبیری مشغول بود ، دیگری دکتر محمد معین رحمه‌الله علیه که در اهواز بود و خود دکتر خطیبی هم در تهران بود و چند نفر دیگر که معدود و انگشت شمار بودند. اینها با هم هم‌دوره بودند و بعد همکار بودند و همدیگر را خوب می‌شناختند . این آقای دکتر خطیبی یک مقاله ای نوشته است که در قسمت دوم این قافله سالار سخن خانلری چاپ شده است . واقعاً تأثرانگیز و آموزنده است البته آموختن ذهنی . ایشان آنچه لازم است در آنجا نوشته‌اند و من افزون بر آن چیزی نمی‌توانم عرض کنم. در این مورد سخنم را با این دو بیت زنده یاد اخوان ثالث به پایان می‌برم و بعد به حافظ تصحیح ایشان می‌پردازم . زنده یاد اخوان ثالث شعری فرستاده است برای مرحوم دکتر خانلری که دو بیت از آن را عرض می‌کنم :

تو یادگار نهادی بسی بزرگ آثار کز آن جهان ادب دارد افتخار دگر

بمان و باز بنه در فنون علم و ادب چنان که هشتی بسیار یادگار دگر

دریغ که آن استاد بی‌بدیل نماند تا آثار دیگری بر آثار ارزشمند خود بیفزاید. اما درباره حافظ تصحیح ایشان ناچار از بیان مقدمه‌ی کوچکی هستم که امیدوارم تحمل بفرمایید. می‌دانیم که قبل از تصحیح مرحوم قزوینی ، در عالم کتاب‌های حافظ ، هیچ دیوانی نبود که شباهتی به گفته‌ی حافظ داشته باشد. اولاً تعداد غزل ها چنانچه مرحوم قزوینی نوشته‌اند در اواخر به ۸۰۰ غزل رسیده بود ، هرکس یک غزلی پیدا می‌کرد منتسب می‌کرد به حافظ . در حالی که غزل های حافظ به پانصد نمی‌رسد و شاید خیلی کمتر باشد . مرحوم قزوینی می‌خواست حافظی تهیه کند که نزدیک به سخن حافظ باشد . در آن زمان جنگ بین المللی دوم درگرفته بود وامکان استفاده از کتابخانه‌های خارج مقدور نبود . آن مرد بزرگ آمدند یک نسخه‌ای را که به سال ۸۲۷ کتابت شده بود و از آن مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی بود و ایشان خودشان آن را چاپ کرده بودند ، آن را از لحاظ کمیت اساس قرار داد و ۴۹۵ یا ۴۹۶ غزل غیر مکرر از آن کتاب به دست آمد و قدری رباعیات و مثنویات. خرده ریزهای دیگر هم

که همیشه هست.

آن مرحوم، آن را از لحاظ کمیت اساس قرار داد و به یاری سه نسخه کهن دیگر که مورخ نبود ولی معلوم بود که در حدود همان نسخه‌ی ۸۲۷ است و شاید یکی از آنها قدیمی تر از نسخه خلخالی بود، و بعد با استفاده از پنج نسخه‌ی دیگر و چند نسخه‌ی چاپی، یک حافظی از چاپ درآورد که آرزوی همه‌ی علاقمندان به حافظ بود. آن کتاب چاپ اولش در سال ۱۳۲۰ از طرف وزارت فرهنگ آن زمان، که به جای آموزش و پرورش و ارشاد اسلامی امروز بود، منتشر شد و واقعاً چشم دوستداران حافظ را روشن ساخت. آن مرحوم زحمت فراوانی در راه پیراستن این اثر نفیس کشیده بود که غیر از ایشان کس دیگری جرأت آن را نداشت که اینهمه تغییر بدهد، چطور ۸۰۰ غزل حافظ را یک مرتبه بگوید کمتر از ۵۰۰ غزل است. این فقط مقام قزوینی بود که مورد قبول همگان واقع شد والا اگر هرکس دیگری این کار را می‌کرد همه انکار می‌کردند و قبول نداشتند. مرحوم قزوینی با تمام قدرت آن را تهیه کرد و مقبول طبع دانشوران و دانشمندان و اساتید آن زمان قرار گرفت. عجالتاً تا نسخه‌ی قدیم تری از حافظ پیدا نمی‌شد این را باید بهترین حافظ دانست.

مدتی گذشت تا اینکه در سال ۱۳۳۷ مرحوم دکتر خانلری یک نسخه‌ی منتخبی پیدا کرد که در سال ۸۱۳ و ۸۱۴ کتابت شده بود آن را به طرز بسیار نفیسی که در آن زمان معمول نبود، در ضمن انتشارات سخن که خودش مؤسس آنجا بود چاپ کرد. از این زمان بحث درباره‌ی مسائل مختلف حافظ شروع شد که مهم ترین و معروف ترینش مسائل و صحبت‌ها و یا نقدها و جواب‌هایی است که مابین مرحوم سید محمد فرزانه که از فرزندان روزگار بود و استاد دکتر خانلری درگرفت. بعد از آن اگر حمل بر خودستایی نفرمایید اتفاق افتاد که بنده با دوست عزیز و همکارم آقای دکتر اکبر بهروز به سه نسخه از خزاین ترکیه دست پیدا کردیم، این نسخه حالا هم اساس تصحیح حافظ‌های فراوانی است که انجام یافته.

آن سه نسخه ۸۱۳، ۸۲۲، و ۸۲۵ یعنی آخرین آنها دو سال هم از نسخه‌ی خلخالی قدیمی‌تر بود. البته این هر سه نسخه کامل بود. جنگ‌ها راه حساب نمی‌آوریم. بعضی‌ها ده، دوازده تا دارد تا قبل از ۸۱۳. ولی من نسخه کامل را عرض می‌کنم. این سه نسخه را ما با همکاری همدیگر و همکاری برابر، یعنی با هم نوشتیم و با هم مقابله کردیم. این حافظ در سلسله انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران وابسته به دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۶ منتشر

شد که به نام حافظ دانشگاه تبریز معروف گردید. آن وقت مورد توجه محافل ادبی قرار گرفت. این توضیح لازم است که ما در آنجا نوشته بودیم که ما در این تصحیح فقط آن غلط‌های ناگزیر را تصحیح کرده‌ایم این تصحیح نهایی نیست. تصحیح نهایی جزو آن مستندات و منابعی است که باید جمع‌آوری شود و سرانجام هیأتی از اهل نظر با هم به تمشیت دیوان حافظ بپردازند، ولی مرحوم دکتر خالری به تنهایی این زحمت را به عهده گرفت و در سال ۱۳۵۹، یعنی سه سال بعد از انتشار نسخه‌ی دانشگاه تبریز، نسخه‌ی خود را بر اساس ۱۴ نسخه کهن البته این ۱۴ نسخه که عرض می‌کنم ۱۴ نسخه‌ی کامل نبود بلکه جُنگ‌ها و منتخب‌ها هم در ضمن آن بود که آخرین آن‌ها از سال ۸۱۷ تا ۸۳۶ نوشته شده که من از آن استفاده نکرده‌ام، به شکل بسیار گرا درآورد که به قول استاد ابوالحسن نجفی هم فال است هم تماشا. یعنی در یک صفحه متن و در یک صفحه اطلاعات نسخه‌ای بود. از ترکیب ابیات گرفته تا اختلاف جزئیات واژه‌ها، یعنی یک حرف کوچک، که می‌دانید در شعر حافظ یک حرف کوچک واو چه غوغایی می‌کند.

ایشان این کتاب را تنظیم کردند، و عنایت فرموده بودند در آن روش خاص خودشان نوشته بودند که عیوضی و بهروز دو تن از استادان دانشگاه تبریز این سه نسخه را قبلاً چاپ کردند؛ و عنایت فرموده گفته بودند نهایت حفظ آن روشها را من داشته‌ام. این کتاب چاپ شد و واقعاً بی نظیر بود و من مطالعه می‌کردم سرانجام به این نتیجه رسیدم که ضرورت دارد که این کتاب دوباره بررسی شود. چون مرحوم فرصت آن را نداشت. سرانجام بنده یک حافظی تهیه کردم که تمامی آن جزئیات را آنقدر که آن مرحوم نشان داده بودند، بیشتر از آن و دلایل تجزیه خود را در دو جنبه یکی متن و یکی تعلیقات عرضه کردم، که همان کتاب بود که آقای دکتر حسن‌لی آن را برگزیده اعلام کردند و در بهمن ماه همان سال در تبریز هم کتاب سال در زمینه‌ی تحقیقات ادبی اعلام شد. یک بار هم آن را برای دانشجویان خلاصه کردم و اخیراً در اردیبهشت ماه، آخرین حافظ بنده، توسط انتشارات امیرکبیر در اختیار خوانندگان قرار گرفت که در آنجا دیگر آخرین نظر خود را عرض کردم بر اساس آن کتاب حافظ برتر کدام است ...

در کتاب حافظ برتر کدام است بنده سه نسخه مشهور را با نسخه خودم مطابقت دادم، در حدود یکهزار و یکصد و سی و شش مورد اختلاف است. از آن اختلاف‌ها ۸۰ مورد

